

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۱

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال بیستم، شماره ۷۷، پاییز ۱۴۰۲

## معناشناسی نمادهای تلفیقی در غزلی از منزوی بر اساس نظریه هرمنوتیک مدرن

یداله ساعی<sup>۱</sup>

علی سرور یعقوبی<sup>۲</sup>

محمدعلی داودآبادی<sup>۳</sup>

### چکیده

هرمنوتیک، امروز وجه غالب تفکر فلسفی غرب و روشی بسیار مهم در مطالعات علوم انسانی است؛ چنان‌که در حوزه ادبیات از آن برای معناکاوی و شرح متن، با تمرکز بر فهم متن استفاده می‌شود. در این مقاله، غزل «عزای تو حماسه است» از حسین منزوی، به شیوه تحلیلی - توصیفی بر اساس نظریه هرمنوتیک مدرن بررسی شده است. بر همین اساس ابتدا رمزگشایی معنای ظاهر شعر صورت گرفته سپس از دلالت‌های تحت‌اللفظی به دست آمده سطوح دلالت ضمنی متن آشکار شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منزوی با تلفیق اساطیر، زمان‌ها و مکان‌ها را درهم شکسته منطق معمول روایت را فروریخته و در واقع اسطوره‌ها را به نوعی بازآفرینی کرده است. هم‌چنین روایت‌های تاریخی را در بافتی نو با ظرفیت‌های معنایی تازه بازتولید کرده است. وی در رویکرد به موضوع جنگ و دفاع مقدس که بر سروده‌های آن دوره (دهه ۶۰) حاکم بوده است از شگرد تلفیق اسطوره سیاوش و حماسه تاریخی عاشورا و شباهت‌های وقایع و افکار این دو حادثه بهره برده است تا فضا و لحن سروده‌های خویش را در مسیر حماسه تقویت کند و از این راه احساسات خوانندگان شعرهایش (رزمندگان جبهه‌ها و مردم عادی در پشت جبهه‌ها) را تهییج کند و آنان را به حفظ روحیه پایداری، پاسداری از میهن و حتی حفظ ارزش‌های مذهبی، ملی و فرهنگی خود ترغیب نماید.

### واژگان کلیدی:

معناشناسی، نمادشناسی، غزل معاصر، هرمنوتیک مدرن.

۱- دانشجوی دکتری ادبیات غنایی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. نویسنده مسئول:

Raaymand92@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

## پیشگفتار

مارتین هایدگر<sup>۱</sup> معتقد است حقیقت در همسایگی تفکر در شعر که اصیل‌ترین شکل زبان است، بروزمی‌یابد. (رک: هایدگر، ۱۳۸۱: ۳۴) زبان ابزاری است برای اطلاع‌رسانی و تفهیم و تفاهم. درعین-حال زبان شعرا ابزار خبررسانی نیست بلکه ابزار زیبایی‌آفرینی است، آن‌هم با آشنایی‌زدایی در زبان؛ «این آشنایی‌زدایی مخاطب را در برابر زبان به درنگ و دقت وامی‌دارد؛ البته به شرطی که هنرمندانه صورت‌گیرد» (وحیدیان‌کامیار، ۱۳۷۹: ۷).

خواننده به مطالعه کلام زیبایی که قدرت تأثیر و نفوذ آن افزون باشد، بیشتر رغبت نشان می‌دهد. متن را می‌خواند، در آن تأمل می‌کند و گاه سعی می‌کند به درک مفهومی از آن دست‌یابد. از دیرباز روش‌های زیادی برای تحلیل متن‌ها، به‌ویژه متون ادبی و شعر به‌کار گرفته شده‌است که این شیوه‌ها همواره در حال تغییر و نو شدن است. از جمله روش‌هایی که امروز در تحلیل متن و شعر به-کار می‌رود، دیدگاه تأویل متن یا هرمنوتیک<sup>۲</sup> است؛ یعنی پرداختن دقیق به متن به‌گونه‌ای که بتوان زیبایی‌های ساختار کلام را نشان داد.

از آن‌جاکه هر شعری در اوج عاطفی و احساسی بودن، بی‌شک شعور نویسنده را نیز به همراه دارد، بررسی هرمنوتیک شعر، به معنای آن برمی‌گردد، نه به بخش زبان‌شناسیک که با پدیده «مرگ مؤلف» در ارتباط است. دانش هرمنوتیک، دانش فهم اثر است با بررسی پدیده‌های گوناگون هستی چون گفتار، رفتار، متن نوشتاری و آثار هنری برای دریافت معنا از آن.

در این پژوهش ضمن بررسی مبانی نظری این شیوه تحلیل متن ادبی، یکی از غزل‌های نوی حسین منزوی با نام «عزای تو حماسه است» کاویده می‌شود، تا از راه این روش نمادهای متن رمزگشایی شود. به بیان دیگر، یکی از ویژگی‌های غزل نو، نمادین‌بودن آن است؛ از سویی متن‌های نمادین تأویل‌پذیرند زیرا لایه‌های پنهانی در آن‌ها نهفته است؛ هرمنوتیک مدرن نیز نظریه‌ای تأویل‌محور است، بنابراین، غزلی نمادین از حسین منزوی بر پایه این دیدگاه تحلیل می‌شود و پس از بیرون‌کشیدن بخشی از مفاهیم نمادین از متن، تفسیری نمادگرا مبتنی بر هرمنوتیک مدرن از غزل ارائه خواهد شد.

- 
1. Martin Heidegger
  2. Hermeneutics

## هرمنوتیک

اصطلاح هرمنوتیک از واژه یونانی «هرمینا» برگرفته از نام هرمس، پیام‌آور خدایان یونان است. وی را راهنمای مردگان به جهان دیگر و پیونددهنده میان میرندگان و نامیرایان دانسته‌اند که خبرهای خوش و شوم می‌آورد. در رساله افلاطون، خدای آفریننده زبان و گفتار دانسته شده است که تأویل‌کننده و پیام‌آور است (احمدی، ۱۳۷۰: ۹۶). شاید بتوان هرمنوتیک را محدود کردن دو جهان درونی و بیرونی متن دانست.

هرمنوتیک سابقه‌ای آیینی و ریشه در باور به تقدس متن دارد. تئوری تفسیر که درباره مسائل کلی درک معنای متن بود، در آغاز به اصول تفسیر در الهیات متوجه بود. از قرن نوزدهم گستره آن فراتر رفت و مسائل بیشتری را در فلسفه و نقد فراگرفت. به‌ویژه در تفکر آلمانی، از فردریش شلایرماخر<sup>۱</sup> و ویلهلم دیلتای<sup>۲</sup> در قرون نوزدهم، تا مارتین هایدگر و هانس گئورگ گادامر<sup>۳</sup> در قرن بیستم ارتباط دارد. در همین سنت، مسئله تفسیر در حلقه هرمنوتیک، طرح و بررسی می‌شود و مسائل اصلی آن چون امکان تعیین معنای قطعی یک متن، نقش نیت مؤلف، نسبت تاریخی معناها، منزلت فهم خواننده در معیار متن، بحث می‌شود (کادن، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

## هرمنوتیک را به لحاظ تاریخی به سه بخش تقسیم می‌کنند:

- ۱- هرمنوتیک کلاسیک: بنیان این دانش در قرن نوزدهم میلادی به‌وسیله دو دانشمند آلمانی «شلایرماخر» و «ویلهلم دیلتای» نهاده شد. به نظر این دو دانشمند در هر اثر یک «معنای نهایی» وجود دارد که مفسر تلاش می‌کند به آن دست یابد. دیلتای بر آن است که برای آن که متن را بفهمیم باید بدانیم نویسنده با چه هدف و منظوری آن را پدید آورده است (احمدی، ۱۳۷۰: ۹۶).
- ۲- هرمنوتیک فلسفی: در قرن نوزدهم فیلسوفان در پی اثبات این موضوع بودند که چیزی به نام «فهم نهایی» که مدنظر هرمنوتیک کلاسیک بود، وجود ندارد، بلکه منظور از فهم آن چیزی است که در اندیشه مفسر نقش می‌بندد. بنا بر این بحث درباره ماهیت فهم بوده نه شیوه متن و روش‌مندسازی آن. هایدگر کتاب «هستی و زمان» را در این زمینه نگاشت و گادامر کتاب «حقیقت و روش» را.
- ۳- هرمنوتیک مدرن: این دیدگاه را شاید بتوان تلفیقی از دو نظریه پیشین دانست، زیرا قاعده‌ای منسجم و اصولی را تعریف می‌کند که هم هرمنوتیک کلاسیک را توجیه می‌کند و هم با این قاعده می‌توان به هرمنوتیک فلسفی رسید. از نمایندگان برجسته هرمنوتیک مدرن «اریک هرش»<sup>۴</sup> و «امیلیو بتی»<sup>۵</sup>

1. Friedrich Schleiermacher
2. Wilhelm Diltai
3. Hans Georg Gadamer
4. Eric Hirsch
5. Emilio Bette

هستند. هرش بر آن است که در تفسیر یک متن، دو برداشت وجود دارد: معنایی که از الفاظ متن به- دست می‌آید و شواهد معنای دریافت شده در دورانی که اثر تفسیر می‌شود (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۷۵-۴۷۴). از نظر هرش معنای لفظی همواره ثابت است ولی شواهد معنا در هر دوره فرق می‌کند.

گادامر معتقد است فهم یک متن بستگی به جایگاه هرمنوتیکی کنونی مخاطب دارد نه در موقعیتی تاریخی. این اعتقاد برمی‌گردد به این نظریه که موضوع فهم انسان، هستی باشد، زبان نامیده می‌شود، زیرا زبان سراچه وجود است. گادامر این نظر را از استادش هایدگر برگرفته است. هم‌چنین وی بر آن است که محدودیت‌ها (ذهن و تاریخ) چنان انسان را احاطه کرده‌اند که هرگز نمی‌تواند به فهم عینی از پدیده‌ها برسد و به حقیقت مطلق دست یابد.

«نه وصل ممکن نیست

همیشه فاصله‌ای هست.» (سپهری، ۱۳۸۷)

با توجه به این‌که پژوهش حاضر بر مبنای هرمنوتیک تلفیقی مدرن انجام می‌شود در آغاز به بررسی مبانی دریافت هرمنوتیک گادامر (فلسفی) می‌پردازیم؛ پس از آن با تکیه بر نظر اریک هرش به بیان چگونگی بهره‌گیری از هرمنوتیک تلفیقی مدرن خواهیم پرداخت.

### مبانی دریافت هرمنوتیکی گادامر

مبانی دریافت هرمنوتیکی گادامر عبارتند از:

- ۱- پیش‌داوری‌ها: پیش‌داوری پل رسیدن به فهم تاریخ است «پیش‌داوری‌ها چیزی نیستند که ما باید از آن چشم‌پوشیم یا بتوانیم از آن چشم‌پوشیم این پیش‌داوری‌ها اساس وجود ما هستند و اصولاً به- واسطه همین پیش‌داوری‌هاست که قادر به فهم تاریخ هستیم» (پالمر، ۱۳۷۷: ۲۰۱).
- ۲- منطق مکالمه: بر اساس نظریه گادامر راه رسیدن به حقیقت قرار گرفتن در موقعیت مکالمه است و از راه پاسخ به پرسش‌هایی که در ذهن خواننده ایجاد می‌شود می‌توان به معنای متن رسید. یک جریان دیالکتیکی با پرسش و پاسخ میان متن با خواننده تا رسیدن به معنایی که در نسبت با علاقه ما به وضعیت خودمان پذیرفتنی است (سلدن، ۱۳۸۴: ۹۳).
- ۳- امتزاج افق‌ها: در نظریه گادامر، افق همان موقعیت هرمنوتیکی خاصی است که هر فردی در آن قرار می‌گیرد و آن‌گاه که دو افق معنایی گذشته و حال با هم تلفیق شوند و البته با زیست جهان متن هم‌خوانی داشته باشند، تأویل درست و ثمربخش خواهد بود (پالمر، ۱۳۷۷: ۱۹۵). این به معنای درهم- آمیختن افق تفسیرکننده امروزی با افق متن گذشته در یک رابطه دیالکتیکی است که این پرسش و پاسخ‌ها در نهایت به فهم و دریافت متفاوتی از دیگران می‌انجامد.

۴- سنت، تاریخ و زبان: «سنت جریان سیالی است که ما در عمل فهم در آن حرکت و مشارکت می‌کنیم. بنابراین سنت چیزی در برابر ما نیست، بلکه چیزی است که ما در آن قرار داریم و از طریق آن وجود داریم» (پالمر، ۱۳۷۷: ۱۹۵)؛ در واقع از این طریق به فهم معنا می‌رسیم.

«گادامر فهم بشر را محدود می‌داند و معتقد است زبان و پیش داوری و تلاقی افق‌های مفسر و متن که ابزار فهم است، سبب محدودیت فهم است، در واقع این عوامل نشان‌گر آن است که فهم بشر حد و مرزی دارد، تلاش گادامر در این است تا محدودیت فهم بشری را نشان‌دهد و شرایط حاکم بر معرفت بشری را معین‌سازد» (نصری، ۱۳۸۳: ۶۳).

غزل «عزای تو حماسه است»

ای خون اصیلت به شتک‌ها ز غدیران	افشانده شرف را به بلندای دلیران
جاری‌شده از کرب و بلا آمده و آنگاه	آمیخته با خون سیاوش در ایران
تو اختر سرخی که به انگیزه تکبیر	ترکید بر آینه خورشید ضمیران
ای جوهر سرداری سرهای بریده	وی اصل نمیرندگی نسل نمیران
خرگاه تو می‌سوخند در اندیشه تاریخ	هر بار که آتش زده‌شد بیشه شیران
آن شب چه شبی بود که دیدند کواکب	نظم تو پراکنده و اردوی تو ویران
و آن روز که با بیرقی از یک سر بی‌تن	تا شام شدی قافله‌سالار امیران
تا باغ شقایق بشوند و بشکوفند	باید که ز خون تو بنوشند کویران
تا اندکی از حق سخن را بگذارند	باید که به خونت بنگارند دلیران
حد تو رثا نیست، عزای تو حماسه است	ای کاسته شأن تو از این معرکه‌گیران

(منزوی، ۱۳۹۱)

در زبان و ادبیات، به‌ویژه زبان و ادبیات اسلامی به پیروی از زبان رمزگونه قرآن کریم، گاه نمادها و رمزهایی وجود دارد که معنای درونی و ذاتی این آثار را با خود همراه دارد و برای دست‌یافتن به چنین مفاهیم استعاری، باید آن‌ها را رمزگشایی کرد.

به نظر اریک هرش، معنای لفظی همواره ثابت است ولی شواهد آن معنا، در هر دوره‌ای فرق می‌کند. بنابراین شاید نتوان به درک معنای نهایی که مؤلف در نظر داشته‌است، رسید. اما با به‌کارگیری روش مناسب و شواهد دوره تفسیر متن می‌توان تا حدود زیادی به فهم نزدیک‌تر به آن‌چه در نظر مؤلف بوده‌است، دست‌یافت (واعظی، ۱۳۷۸: ۷۴۵-۴۷۴).

در این مقاله، طبق نظریه هرمنوتیک مدرن، در آغاز معنای لفظی متن که در نظر اریک هرش، همواره ثابت است بیان می‌شود، سپس با بهره‌گیری از شواهد معنا در دوره‌های مختلف، تلاش می‌شود با به‌کارگیری روشی مناسب و بررسی شواهد دوره تفسیر متن فهم سنجیده‌تری از متن فراهم شود. این غزل گذشته از روح حماسی با دیدی تازه به مسئله عاشورا نگریسته است. از این جهت باید دید آیا در دو افق معنایی گذشته و حال قابل تأویل است و با امتزاج افق‌ها<sup>۱</sup> می‌توان به تأویلی پذیرفتنی از آن رسید؟

با توجه به این که غزل از نوع معاصر یا نو است، در ادامه به اجمال به غزل نو و ویژگی‌های آن اشاره می‌شود.

### غزل نو

غزل نو در واقع جریان شعری مهمی است که از اواخر دهه چهل وارد ادبیات معاصر شد و در میان شاعران رواج یافت. نخستین غزل به این شیوه نو «حجره زخمی تغزل» از حسین منزوی است (به زعم خودش)، که در سال ۱۳۴۷ در مجله فردوسی چاپ شده است (منزوی، ۱۳۸۶: ۲۴). البته شاید بتوان گفت نخستین غزل نو را نیما سروده است؛ مجموعه «افسانه» غزلی طولانی با قصد آزادی در زبان (یوشیچ، ۱۳۷۵: ۳۷).

غزل نو به واسطه غزل‌بودن برخی ویژگی‌های شعر سنتی و به جهت نبودن خصوصیات شعر نو را دارد. از ویژگی‌های ظاهری غزل نو، شکل دیداری نوشتاری غزل است با کوتاه و بلندی مصراع‌ها و همراه با علائم نگارشی، برای کمک به فهم شعر. ویژگی دیگر، موسیقی آن است؛ از آنجاکه موسیقی در شعر بار عاطفی به همراه دارد. این بار عاطفی در غزل نو با وزن‌های نو و متنوعی ارائه شده است. به ویژه در غزل‌های سیمین بهبهانی که پیش‌تاز این تنوع است. همچنین حفظ محور عمودی غزل از دیگر ویژگی‌های غزل نو است که با پیروی از شعر نیمایی صورت گرفته است و به شعر ویژگی داستان‌وارگی می‌دهد.

بدیهی است غزل نو، مفاهیم نو می‌طلبد تا مخاطبان معاصر آن را به‌خوبی درک کنند. اندیشه‌های والای عرفانی و پیچیدگی‌های فلسفی که در اجتماع گذشته و پیرو آن در آثار ادبی گذشته حضور داشت، در این جریان شعری دیگر مطرح نیست، حتی عشق که بن‌مایه شعر غنایی و غزل است، دیگر آن مفهوم پیشین را ندارد. برای بیان مضامین اجتماعی و عاشقانه امروزین زبانی دیگر باید اندیشید:

دیگر برای دم‌زدن از عشق باید زبانی دیگر اندیشید

(منزوی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

با توجه به پیشرفت روزافزون فن‌آوری و ارتباطها، دنیای فکری و روحی ما با دنیای پدران و حتی فرزندانمان کاملاً متفاوت است. قالب غزل امروز اگر از تحولات اجتماعی روز تهی باشد و یا به مسئله عشق که بنیان غزل است، با نگاه امروزی نپردازد، چیزی جز تکرار نیست. سرودن غزل امروزی، ساده نیست، پیشینه ادبی بسیار قوی می‌خواهد، شناخت و فهم درست از شعر و درک گفتمان نیمایی، و البته افزون بر این‌ها، ذوق و قریحه فراوان. از آنجاکه یکی از الزامات اجتماعی شدن شعر پس از نیما، استفاده فراوان از نمادها است، غزل نو هم از این ابزار بسیار بهره‌برده است. با توجه به این که غزل «عزای تو حماسه است» هم غزلی نمادین است، در این بخش نخست به تعریف نمادگرایی و انطباق آن با تأویل هرمنوتیکی شعر پرداخته و در پایان بن‌مایه‌های نمادهای غزل منزوی را خواهیم آورد.

### تحلیل نمادگرایی منزوی

هنر بیان غیرصریح اندیشه، احساسات، عواطف و اشاره به چگونگی وجود آن‌ها است (چدویک، ۱۸۵ و ۱) از ویژگی‌های شعر مقاومت معاصر ایران و غزل نو به‌ویژه حماسی، کاربرد نام چهره‌های برجسته دینی، و پهلوانان اسطوره‌ای و تاریخی است. با توجه به ویژگی مبارزه‌جویی و تسلیم‌جویی این نمادها، استفاده از آن‌ها می‌تواند وجدان بشری را با خود همراه کند و انسان‌ها در دوره‌های زمانی و مکانی گوناگون با آن ارتباط درونی می‌یابند. علاوه بر آن تفسیر این نمادها می‌تواند مخاطب را در تأویل شعر یاری کند. بنابراین هرمنوتیک در فهم شعر با بهره‌گیری از تأویل نمادها برای درک شعر کارآمد است.

### بن‌مایه نمادهای غزل منزوی:

منزوی شاعری نمادگرا است و مواردی چون وقایع دینی، اسطوره‌ای، تاریخی و... را بن‌مایه نمادهای خود قرارداده است. چنان‌که حادثه کربلا که در واقع آموزه مقاومت است، به‌گونه‌ای نمادین در غزل منزوی آمده است. با توجه به این که یکی از ارزشمندترین سروده‌های پایداری در تاریخ اسلام را می‌توان در این حماسه دید، منزوی از این واقعه شکوهمند، مضامین و مفاهیم عمیق ایستادگی در برابر بیداد و نیز آزادی و پاک‌بازی را نشان داده است. همچنین نام پهلوانان و شخصیت‌های اسطوره‌ای را که رمزهای مقاومت یا مظلومیت در حوزه ادبیات هستند در شعر خویش می‌آورد. برای مثال، با آوردن

نمادهای رودابه و زال در بیت زیر که با نماد سوگواری و داغ‌دیدگی همراه است، از وضع ناامیدکننده موجود، گلایه می‌کند.

رودابه من، رودگری کن که فتادند در چاه شغادان زمان تهمتنانت

(منزوی، ۱۳۹۰: ۷۴)

و یا این تصویر نمادین از مرگ رستم که از ناامیدی و شکست، زوال و شکوه ازدست‌رفته و ناپایداری عزت و کامیابی می‌گوید:

صدای گریه رودابه بود دوسویه زان که از تداعی تابوت و تهمتن می‌گفت

غبار خون به هم از راه می‌رسید به ماه سوار اگرچه همه از نیامدن می‌گفت

(منزوی، ۱۳۸۹: ۶۳)

از ویژگی‌های برجسته نماد در غزل‌های منزوی تلفیق وقایع دینی و مذهبی و چهره‌های اسطوره‌ای است. برای مثال تلفیق چهره دینی با چهره شاهنامه‌ای -ابراهیم(ع) و سیاوش- در این بیت:

در چشم‌های شعله‌ورت می‌سوخت آن آتش بزرگ که پیش از تو

باغ گل صبوری «ابراهیم» داغ دل صفای «سیاوش» بود

(منزوی، ۱۳۸۸: ۴۴۹)

در این پژوهش قصد داریم نمونه‌ای از همین تلفیق نمادها را در شعر منزوی بررسی کنیم. تلفیق سیاوش و امام حسین(ع) در بیت زیر:

جاری‌شده از کرب و بلا آمده و آن گاه آمیخته با خون سیاوش در ایران

(منزوی، ۱۳۸۹: ۳۷)

از آنجاکه سرگذشت سیاوش، پهلوان پاک‌دامن ایرانی، به سیره مبارک امام حسین(ع)، شباهت بسیار دارد، گاه در اشعار عاشورایی از شخصیت سیاوش به‌عنوان نماد مظلومیت و بی‌گناهی استفاده می‌شود. با توجه به این که بیت یادشده شاه‌بیت و شالوده تغزل منزوی است و سایر ابیات در توضیح آن آمده‌است، در این بخش با بهره‌گیری از نظریه هرمنوتیک مدرن به تأویل بیت یادشده با دیدگاهی نمادین پرداخته می‌شود.

بیان رمزآلود و نمادین این غزل، بررسی آن از دیدگاه هرمنوتیک که گاه خود متن و یا هر دو را مورد توجه قرار می‌دهد، انگیزه‌ای است برای سیر در افق‌های مختلف علمی این اثر و کشف زوایای جدیدی در آن. این که منزوی از منابع اساطیری، دینی، تاریخی، قرآنی، و داستان پیشینیان و منابع طبیعت و دنیای خود، در غزل‌هایش بسیار بهره‌برده‌است، نشان می‌دهد که وی شاعری نمادپرداز است



و تأویل‌گرا. با توجه به این که هرمنوتیک مدرن به دو برداشت در تفسیر یک متن می‌پردازد، در آغاز معنای لفظ سیاوش بررسی می‌شود و سپس به شواهد معنایی دریافت‌شده از آن در دوره‌های مختلف می‌پردازیم.

نگارندگان این مقاله در شعر منزوی با واژه «سیاوش» که نمادی اسطوره‌ای و واژه «کرب و بلا» که نمادی مذهبی است مواجهند. آوردن این دو واژه در کنار هم، این گمان را تقویت می‌کند که منظور شاعر از این کاربرد در یک بیت می‌تواند نمودن ارتباطی باشد که در مفهوم نمادین آن‌ها پنهان است. سخن از خون اصیل شهید است که در نوعی پیوستگی در ذهن شاعر، از کربلا جاری شده و با خون سیاوش آمیخته است. پرسش اصلی این است: بین خون شهید، خون‌های جاری شده در کربلا و خون سیاوش چه ارتباطی هست؟

با توجه به این که نظریه هرمنوتیک مدرن، تلفیقی از هرمنوتیک کلاسیک و فلسفی است، نگارندگان در جایگاه تأویل‌گر برای یافتن پاسخ تلاش می‌کنند هدف و منظور نویسنده از پدیدآوردن اثر را دریافته به ماهیت متن پی‌برند؛ آن‌گاه با درهم‌آمیختن افق متن و افق معنایی تأویل‌گر، تأویل ممکن خواهد شد. در ادامه به بررسی معنای لفظی واژگان می‌پردازیم، سپس می‌کوشیم به درک شواهد معنایی از آن‌ها در افق‌های معنایی حال و گذشته دست‌یابیم. با بررسی نسبت تاریخی معناها، که از مسائل اصلی در حلقه تفسیر هرمنوتیک است، راه برای تأویل متن گشوده می‌شود.

**معنای لفظی واژگان:** هرمنوتیک مدرن بر آن است که معنایی که از الفاظ متن به دست می‌آید، ثابت است.

## سیاوش

نام سیاوش در اوستا «سیاورشن» است که از دو بخش «سیا» به معنای سیاه و «ارشن» به معنای مرد و نر و روی هم به معنای «دارنده اسب سیاه» است. در زبان پهلوی «سیاوَحْشَن» بوده و با گذشت زمان به سیاوش و سیاوش تغییر یافته است (کزازی، ۱۹۰/۳۰).

## کربلا

کربلا مشهد امام حسین (ع)، موضعی در طرف بریه از کوفه که حسین بن علی رضی‌الله‌عنه در آن‌جا کشته شد (معجم‌البلدان). از آن‌جا که در متن خون جاری شده در کربلا ذکر شده است، منظور شاعر واقعه عاشورا است. عاشورا: روز دهم محرم که حسین بن علی در آن روز شهید شد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود معنای واژگان سیاوش و عاشورا ثابت است و این معانی چندان راه‌گشای تفسیر متن نیست، بنابراین در پی شواهد معنایی اثر دو افق معنایی گذشته و حال را، می‌-

کاویم تا روشن شود مطابق نظریه هرمنوتیک مدرن، شواهد معنایی دریافت‌شده در دوره‌ای که اثر تفسیر می‌شود چیست؟ زیرا طبق این نظریه شواهد معنایی در هر دوره با دوره دیگر فرق دارد.

### افق معنایی گذشته و حال در «سیاوش»

#### پیشینه اساطیری سیاوش

داستان سیاوش از اسطوره‌های بومی این سرزمین است که در گذر زمان ساختار کهنه و حتی بخشی از قداست خود را ازدست‌داده، ولی هنوز در متن اجتماع ما زنده و جاری است و این به جهت ارتباط با زندگی علمی جامعه ما است. بنا بر این از همین آغاز پیدا است که می‌توان شواهد معنایی این نماد را در دوره‌های مختلف از اسطوره‌ها تا امروز، مطابق نظریه هرمنوتیک مدرن، بررسی کرد. یکی از مهم‌ترین تحلیل‌های اسطوره‌ای از سیاوش را می‌توان نظر مهرداد بهار دانست که نام «خدای شهیدشونده نباتی» را برای سیاوش برگزیده است. این لقب برمی‌گردد به دوره باستان و اقوام کشاورز آن دوره که مشاهده دوره‌های رشد و سپس خشک‌شدن گیاهان و سبزشدن دوباره آن‌ها، در جهان‌بینی آن‌ها تأثیر گذاشت و برای گیاهان خدایانی قائل شدند.

بر اساس باور آن‌ها خدای بارورکننده می‌میرد و در زیر زمین نیست می‌شود؛ اما پس از سیر تحولاتی اسطوره‌ای، دوباره در بهار به طبیعت برمی‌گردد. این آیین در تعمیم خود، نشان‌دهنده مرگ و حیات دوباره است و به گونه‌های مختلف از دره سند تا یونان و مُثُل به شکل‌های داستان سیاوش در ایران، راماین در هند، تموز یا دموزی در بین‌النهرین، بعل در سوریه و یوسف در تورات ذکر شده و حضور دارد. (بهار، ۱۳۷۸: ۳۹۸-۳۹۹)

در همه این موارد، مرگ، شهادت، در آتش فرورفتن، تبعید و زندانی شدن نماد مرگ نبات و پنهان‌شدن او برای مدتی در زیر زمین و بیرون آمدن از تبعید و آتش و زندان، قدرت‌یافتن دوباره، نماد همان زندگی دوباره است.

شاهد‌های معنایی دریافت‌شده در دوره‌های مختلف تا امروز (دوران تفسیر متن)

اسطوره سیاوش تا امروز به وسیله آیین‌ها در زندگی ما ادامه یافته است، در آیین‌هایی چون حاجی-فیروز، نوروز، کشتن خروس در مرگ عزیزان، سوگ سروده‌ها، نخل‌گردانی و...

#### سیاوش و حاجی‌فیروز

سیاوش به عنوان ایزد شهیدشونده نباتی با مرگ به دنیای تاریکی رفته و بعد به صورت کیخسرو به زندگی برمی‌گردد. در نوروز حاجی‌فیروز با صورتی سیاه و جامه‌ای سرخ و دایره زنگی در دست ظاهری می‌شود که از نظر مهرداد بهار، سیاهی جامه او دلیل بازگشت از دنیای مردگان برای آوردن باران

و برکت است. جامه سرخ وی شاید نماد زندگی دوباره و خون مجدد او است و هر دو کنار هم مرگ و زندگی را تداعی می‌کنند. دایره زنگی و آواز حاجی فیروز هم نشان رقص‌های جادویی باران‌آورنده است (بهار، ۱۳۷۷: ۲۶۴-۲۶۵).

از این شاهد معنایی می‌توان مفهوم تأویلی شهادت و زندگی دوباره را برداشت کرد.

### سیاوش و نوروز

نوروز جشن نوزایی طبیعت است و روزگار نوی کشاورزان و کسانی که به خدای نباتی ایمان دارند و بازگشت دوباره او را جشن می‌گیرند. سیاوش هم پس از مرگ در هیأت گیاه دوباره نمودار شده، رونق و برکت به زندگی مردم آورده و موجب جشن و سرور آنها شده است. این شاهد معنایی نشان می‌دهد که انسان با مرگ به پایان نمی‌رسد و زندگی دوباره‌ای در پیش می‌گیرد و به گونه‌ای نمادین می‌تواند در زندگی انسان‌های زنده حضور داشته باشد و امید و رونق و برکت را در زندگی آنها جاری کند.

### سیاوش و آیین کشتن خروس در مرگ عزیزان

خروس پرنده‌ای اسطوره‌ای و نخستین موجودی است که با صدای اساطیری خود آمدن خورشید را خبر می‌دهد. تصویر کشتن خروس در پیش مردگان شاید به دلیل خوش‌یمنی او به عنوان نوعی قربانی گناهان شخص از دست رفته است که با سیاوش که قربانی پلیدی و ناپاکی‌ها شد تا جهان پاک شود، بی‌ارتباط نیست. شاهد معنایی یادشده نمادی از فداشدن برای رسیدن به آرمان‌های با ارزش بشری است، هم‌چنان که قربانی شدن سیاوش نمادی از پاک‌شدن جهان از پلیدی و ناپاکی است.

### سیاوش مظهر شهادت

سیاوش در اسطوره خدای گیاه است؛ باید بمیرد تا سرسبزی و طراوت به طبیعت بازگردانده شود. این باور در حماسه ملی هم راه‌یافته است؛ زیرا پس از شهادت از خون وی گیاه خون سیاوشان می‌روید که تقویت‌کننده باور ایزد نباتی بودن اوست. وی هم‌چون دانه‌ای که همه ارزش‌های بشری را در دل خود می‌پرورد به زمین فرورفته و پس از طی مراحل به صورت کیخسرو پادشاه آرمانی اسطوره و حماسه، نمودمی‌یابد و فضای اساطیری-حماسی ایرانی را هم سرسبز می‌کند. شاید اگر فردوسی در شاهنامه سخنی از مرگ کیخسرو به میان نیاورده است به این جهت است که او را نماد تداوم ستم‌ستیزی انسان‌های پاک می‌داند.

گیاه خون سیاوشان «آیت نمودبخش نیاز روح بشر است که در کشمکش جاودانی خرد آرزومند آن است که لااقل نیم‌مقی از عدالت و حق و آزادی و پایداری در جهان برجای ماند. در این راه اگر

هزاران هزار قربانی هم داده‌شود باکی نیست، زیرا در برابر بزرگ‌ترین خطری که از آغاز آفرینش تا کنون بشریت را تهدید کرده‌است، ایستاد و آن خطر انقراض انسانیت است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۸: ۲۱۳-۲۲۴). این شاهد نمادین، گویای این حقیقت است که خون به حق، پایمال نمی‌شود و انسانیت عنصر جاودانه حیات بشری است و عدالت و حق مانا است.

### سوغ سیاوش

در اساطیر، مردم برای به‌رحم آوردن خدای نباتی به گریه و زاری پرداخته، با جادوی گریستن، خدای نباتی را به گریه وامی‌داشتند. آن‌گاه خدای نباتی اشک‌های سودمند و بارورکننده یا همان باران را فرومی‌ریخت، زمین بارور می‌شد و مردم به جشن می‌پرداختند.

سیاوش پس از مرگ به زیر خاک فرورفته، مردم برای بازگشت مجدد او و نوزایی طبیعت به سوگواری می‌پرداختند. برپایی مراسم عزاداری و گریستن سبب می‌شد که او دوباره به‌سوی جهان زندگانی صعود کند و بازگشت او در قالب کیخسرو، به‌عنوان نماد عدالت و راستی میسر شود. این برانگیخته‌شدن با تازگی طبیعت همراه می‌شد و مردم به شکرانه این دو موهبت به جشن و پایکوبی می‌پرداختند (نقل از حصوری، ۱۳۷۸: ۱۶۹-۱۷۱).

آیین سوگ سیاوش هنوز هم در مناطقی از ایران چون فارس، کهگیلویه و بویراحمد ادامه دارد. کهن‌ترین سند تاریخی از سوگ سیاوش به‌صورت مکتوب، کتاب «تاریخ بخارا» از قرن سوم هجری است که در آن آمده‌است: «اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجیب است و مطربان آن سرودها را «کین سیاوش» گویند و از این تاریخ سه هزار سال است» (نرشخی، ۱۳۵۱: ۲۴).

هم‌چنین کاشغری در کتاب «لغات التورک» اضافه می‌کند که هر سال مجوسان در روین دژ نزدیک بخارا که محل کشته‌شدن سیاوش است گردآمده، مویه می‌کنند و قربانی می‌کنند و خون حیوان را بر گور می‌ریزند. (همان، ۱۳۷۸: ۹۱)

برانگیخته‌شدن و تازگی و نوزایی طبیعت به دنبال مراسم عزاداری و سوگواری شاهد معنایی است بر خواست مردم برای رسیدن به رویش دوباره و عدالت و آزادگی و پایداری آن در جهان و نیز شادی مردم از تحقق یافتن خواسته‌های به‌حق ایشان.

### نخل گردانی

در مراسم سوگواری سیاوش، اتاقی چادرمانند را که پنجره‌هایی دارد و پیکر سیاوش و سه تن از عزداران در آن است، بر دوش می‌کشند (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۳). شاید ارتباط سیاوش که خدای گیاهی نامیده شده‌است با درخت نخل، نشان از ارتباط او با طبیعت نباتی باشد.

سیاوش که مرگی ناخواسته را می‌پذیرد تا ارزش انسانیت را به‌ظهور برساند در واقع معتقد است با کردگار جهان جنگ نیست و خون وی رهایی‌بخش جان است و با قربانی کردن جان می‌توان به هدف رسید. خونی که بی‌گناه بر زمین می‌ریزد، تا ابد خون‌خواهی می‌کند. شاید مرگ سیاوش ایمان به الهه انتقام را در مردم برانگیخت، از این رو، با برپایی آیین سوگ سیاوش و نخل‌گردانی به‌نوعی همراهی، هم‌نوایی، هم‌اندیشی خود با آرمان‌های سیاوش را به‌نمایش گذاشته‌اند. پیام حماسه قدیسانه شهادت سیاوش، بیداد قوی‌دستان، مظلومی پاکان و پیروزی نهایی حقیقت را دربرداشت. این شاهد معنایی از دوران باستان تا امروز در باورهای بسیاری از مردم ایران زمین مانده‌است.

شاهد‌های معنایی دریافت‌شده از تاریخ عاشورا بر اساس نظریه هرمنوتیک مدرن عاشورا از پدیده‌های شگفت‌انگیز تاریخ بشری است که هر قومی به میزان آشنایی و تمسک به آن توانسته‌است برای خویش هویتی عدالت‌طلبانه و خداجویانه در آیین آن بسازد و به پاس داشت آرمان‌های متعالی خود دست‌یازد، چنان‌که در میان مسلمانان، پیروان مکتب تشیع بیشترین بهره را از این پدیده برده‌اند. قرائت‌های تاریخی و تفسیرهای مبتنی بر این پدیده شگفت، گاه با اسطوره‌پردازی‌ها و پندارسازی‌ها نیز همراه شده‌است.

به‌لحاظ تاریخی یکی از عوامل محرک در سوگواری عزای امام حسین (ع) شاید تلاش برای دفع توطئه‌های بنی‌امیه برای محو آثار مادی و معنوی قیام کربلا بوده‌است. ابوریحان بیرونی می‌گوید: «بنی‌امیه در این روز لباس نو پوشیده و زیب و زیور کردند و سرمه بر چشم خود کشیدند و این روز را عید گرفتند و ... تا زمانی که ایشان بودند، این رسم در توده مردم پایدار بود.»

### سوگواری و تعزیه در عاشورا

تاریخ نشان می‌دهد نخستین آشنایی و برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در زمان آل‌بویه بود. ایشان در دیلم با این مراسم آشنا شدند. ایرانیان با حفظ ماهیت مراسم عاشورا، آن را با ظرافت خاصی با آداب و رسوم بومی خود، که چندان هم با سبک و روش عزاداری در عراق و حجاز تفاوت‌نداشت، برگزار می‌کردند. این ادغام در زمان صفویه و با ورود تشیع به ایران صورت گرفت. صفویه تحت هدایت ونیزی‌ها که به ایران آمده بودند، از «پشتلی» یعنی مراسم تشیع جنازه عیسی مسیح و عزاداری مربوط به او تأثیر گرفتند و با درآمیختن با مراسم سوگ سیاوش، تعزیه شیعی به‌وجود آمد.

در گذشته مردم وقایع عاشورا را پای منبر روضه‌خوان‌ها می‌شنیدند و تعزیه‌خوانی از آغاز در بین توده مردم شکل گرفته‌است. بنا بر این تعزیه بر بنیاد روایت‌های عامه از واقعه تاریخی-حماسی کربلا و در واقع گزارش‌های مقتل‌نامه و باورهای مردم بوده‌است. از این رو، «تعزیه‌خوانی دستاورد جهان‌بینی و شیوه تفکر و احساس درونی توده مردم جامعه‌ای است که فرهنگی دینی و اندیشه‌ای رمزگرا و حماسه‌ساز بر ذهنیت آن جامعه چیره و ده‌است (بلوکباشی، ۱۳۷۷: ۳۳).

تماشای تعزیه سبب می‌شده احساسات مردم به همدردی با شهیدان کربلا و بازماندگان آن‌ها برانگیخته‌شود و آن‌ها را مجذوب جلوه‌های حق می‌کرده‌است. بنابراین، کارکردی آموزشی-مذهبی داشته‌است. به‌لحاظ عقیدتی و اجتماعی، انجام این مراسم دینی سبب می‌شود انسان با یک رشته نهانی به نیرویی قدسی بیرون از خود پیوند برقرارکند و به این وسیله نوعی وحدت در عقیده و رفتار مؤمنان پدیدآمده، آنان را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بر این اساس، هدف اصلی و مهم تعزیه، تقویت و تحکیم همین احساس وحدت بین مؤمنان است که به‌صورت یک اتحاد عرفانی درمی‌آید (wirth, 1978: 24). تعزیه حکایتی از ایمان و یقین مذهبی و بیزاری از ظلم و ستم است. در تعزیه اعتقادات مذهبی و مسائل اجتماعی در هم می‌آمیزند و تبدیل به نمایش می‌شوند که هم جلوه‌ای از جهان‌بینی عامه مردم است و هم نمایانگر انتظارات اجتماعی و باورهای سنتی است. این موضوع در دنیای متجدد امروزی که هر لحظه بیشتر به سوی فردگرایی پیش می‌رود، سبب نزدیکی انسان‌ها، پیوند بیشتر نسل‌ها و ایجاد یک هویت جمعی تشخیص‌یافته بین افراد می‌شود که نتیجه آن، پیوند عاطفی افراد، کنش اجتماعی و در نتیجه حفظ انسجام درونی جامعه است.

شاهد معنایی مراسم تعزیه بر طبق نظریه هرمنوتیک مدرن می‌تواند برانگیختن احساسات مردم به همدردی با شهیدان کربلا و بازماندگان ایشان باشد. هم‌چنین در معنایی عمیق‌تر با توجه به این که تعزیه حکایتی از ایمان و یقین مذهبی مؤمنان و بیزاری از ظلم و ستم است، یکی از اصلی‌ترین هدف‌های آن هم می‌تواند تقویت و تحکیم وحدت بین مردم باشد و به‌لحاظ اجتماعی هم با ایجاد نوعی پیوند عاطفی و احساسی و کنش اجتماعی سبب حفظ انسجام درونی جامعه شود.

### نخل گردانی

نخل «حجله‌مانندی است که از چوب می‌سازند و با انواع شال‌های ابریشمین رنگارنگ، پارچه‌های قیمتی، آینه، چراغ و غیره آرایش می‌دهند و به گل و سبزه می‌آرایند و در روز عاشورا آن را به محلی که مراسم روضه‌خوانی و تعزیه برپا است، می‌برند» (دهخدا، ذیل واژه «نخل»). شاید بتوان گفت اصلی‌ترین مضمون نخل‌گردانی که کاری نمادین است هم، مظلومیت امام حسین (ع) و یاران ایشان و ماندگاری شهادت و ظلم‌ستیزی در طول تاریخ است که تاحدودی جهان‌بینی شرکت‌کنندگان در این مراسم را جهت‌دهی می‌کند. در بیان شاهد معنایی می‌توان گفت این مراسم با نظم و ترتیب خاص و در زمانی خاص برگزار می‌شود. این نظم می‌تواند عقاید فردی و اجتماعی مؤمنان، تفاهم، کنش، حالات روحی و معنوی را سامان و جهت بخشد. این امر علاوه بر بازیابی هویت دینی و نهادینه‌شدن هنجارهای اخلاقی در افراد، سبب کاهش منازعات و آسیب‌های اجتماعی-سیاسی می‌شود.

ذکر پاره‌ای از مصیبت امام حسین (ع) و گریستن در پایان سخنرانی‌های مذهبی در مناسبت‌ها از دیرباز تا امروز، التزام به ذکر مصیبت اهل بیت به‌ویژه امام حسین (ع) در پایان سخنرانی‌های مذهبی مرسوم بوده‌است. هدف این آیین که در اجتماعات مردمی صورت می‌گرفته و می‌گیرد، زنده نگاه‌داشتن یاد عاشورا و قیام امام حسین (ع) و برانگیختن حس مردم بر انسانیت، آزادگی، ستم‌ستیزی و شهادت در راه آرمان‌های والای انسانی است. شاهد معنایی این آیین نمادین، بسیار گویا و روشن است.

### قربانی کردن و نذر در عاشورا

شیعیان بر این باورند که برگزاری مراسم محرم به رستگاری آن‌ها کمک‌می‌کند و در روز قیامت آنان را از شفاعت امام حسین (ع) برخوردار خواهد کرد (چلکووسکی، ۱۹۷۶: ۶). آیین قربانی کردن، تهیه غذا و نوشیدنی نذری از دیرباز در بین شیعیان مرسوم بوده‌است. شیعیان مسلمان به یاد تشنگان و گرسنگان واقعه کربلا، در حد وسع قربانی کرده و خوراک‌هایی را تهیه کرده، بین عزاداران و فقرا تقسیم می‌کنند. علاوه بر نیت انسانی سیرکردن و سیراب کردن نیازمندان، در نذر و اعتقاد قلبی، شفاعت کشتگان مظلوم کربلا را در مشکلات زندگی خود، گشایش کار، شفا، گذر از وقایع و حوادث ناگوار و ... خواهانند.

### تحلیل محتوایی داده‌های گردآوری شده بر اساس نظریه هرمنوتیک مدرن:

از نظر شلایرماخر، نظریه پرداز هرمنوتیک مدرن، یکی از ضرورت‌های تأویل متن، شناخت تاریخی متن توسط تأویل گر بدون دخالت دیدگاه وی است. در بحثی که گذشت شناختی نسبی از تاریخ گذشته و حال نمادهای «سیاوش» و «عاشورا» فراهم شد. در هرمنوتیک مدرن نسبت تاریخی معناها از مسایل اصلی حلقه تغییر در هرمنوتیک است. از نظر گادامر پیش‌داوری شرط پیشین تأویل بوده و این تأویل گر است که نقش اصلی را در تأویل ایفای کند، به‌گونه‌ای که افق معنایی متن و افق معنایی تأویل گر درهم می‌آمیزند تا تأویل متن ممکن شود. بنا بر آنچه گفته آمد، در این بخش به بررسی نسبت تاریخی معناها در دو نماد سیاوش و عاشورا می‌پردازیم.

در بررسی شواهد معنایی اسطوره سیاوش و نهضت تاریخی عاشورا هم‌خوانی‌ها و اشتراکات بسیاری دیده می‌شود. جریان نهضت عاشورا گویی تاریخ اسطوره را روایت می‌کند. در عاشورا سرنوشت محتوم و تقدیر ازلی پسندیده، امام حسین (ع) را بر آن می‌دارد که مرگی ناخواسته را بپذیرد، تا ارزش انسانیت را به‌ظهور رساند. در واقع وی در راستای رسیدن به همین هدف حرکت می‌کند و می‌پذیرد به‌سوی مرگ مقدر خداوند برود.

سیاوش هم در برابر مرگ معتقد است که با کردگار جهانیان جنگ نیست. این هر دو بر آنند که خون ایشان رهایی بخش جان است و تنها با قربانی کردن جسم می‌توان به این هدف رسید. خونی که

بی‌گناه بر زمین ریخته‌شود، تا ابد خون‌خواهی می‌کند. این یک اصل در واقعه سیاوش و امام حسین (ع) است.

مرگ سیاوش ایمان به الهه انتقام را در مردم برانگیخت؛ الهه‌ای که انتقام ستم‌دیدگان را از ستمگران خواهد گرفت. شهادت امام حسین (ع) نیروی دادخواهی و آرمان پیروزی بر ستم را در دل مردم برانگیخته‌است و شیعیان را به مبارزه با استبداد و جور و ستم فرامی‌خواند. بلکه می‌توان گفت همه آزادگان جهان را به این مهم می‌خواند.

ماجرای سیاوش با انگاره‌های اجتماعی و فرهنگ اسلامی چندان تعارض ندارد و البته با تغییراتی اندک و تدریجی در صورت و معنا، با عناصر اسلامی در هم آمیخته و پیشینه مذهبی هم یافته‌است. از جمله این آیین‌ها سوگواری سیاوش است که زمینه‌ساز فرهنگ آیین‌های سوگواری شهیدان دین و برخی آداب و رسوم عزاداری عاشورای حسینی شد. بن‌مایه قدیسانه حماسه شهادت سیاوش با آن که پیام بیداد قوی‌دستان و مظلومی پاکان و نیز پیروزی حقیقت را در برداشت، پاسخگوی نیازها و آرمان‌های دینی شیعیان ایرانی نبود؛ پس آن را به قهرمان مقدس مذهبی خود نسبت دادند. حماسه امام حسین (ع) شکلی تازه در فرهنگ شهادت‌جویی مسلمانان شیعه پدید آورد و به آن نیازها پاسخ گفت.

شخصیت والای تاریخی - مذهبی امام حسین (ع) و شهادت ایشان، جایگاه فرهنگی شخصیت اسطوره‌ای سیاوش را در جامعه ایرانی گرفته و به حماسه شهادت در تاریخ شکلی تازه و بدیع بخشیده‌است.

آیین گرداندن و تشییع تابوت تمثیلی پیکر سیاوش و سرودخوانی و نوحه‌سرایی مردم و گریستن بر مرگ وی، زمینه فرهنگی گریه و مویه شیعیان در سالگرد شهادت امام حسین (ع) را فراهم کرده‌است. نمایش‌های آیین سوگواری در دسته‌گردانی‌ها، سینه‌زنی‌ها، تعزیه‌ها و... در مراسم دهه عاشورا نیز از همین نمونه‌ها است. برای مثال، در مراسم سیاوشان، شرکت‌کنندگان به دو گروه تقسیم می‌شدند، طرفداران سیاوش و طرفداران افراسیاب و سودابه. در این مراسم نمادین شعرهایی در سوگ شهادت مظلومانه سیاوش می‌خواندند، همچنین شعرهایی در وصف حق‌کشی افراسیاب و سودابه، و تماشاگران هم می‌گریستند. در مراسم تعزیه هم، تعزیه‌گردان‌ها به دو گروه اولیا و اشقیا تقسیم شده، در مدح امام حسین (ع) و شهادت مظلومانه ایشان و نیز در نقش یاران یزید، موافق و مخالف‌خوانی می‌کردند.

ستیز حق و باطل، خیر و شر و پیروزی حق بر باطل در فرجام، جاودانگی کسی که رضای خداوند را بر رضای نفس خود برتری می‌دهد، از پیام‌های مهم نهضت عاشورا است. این امر در میان ایرانیان در حمایت از خیر و نیکی سابقه چندین هزار ساله دارد که سینه به سینه به نسل‌های بعدی رسیده و حفظ شده‌است؛ حتی جامه نیلی کردن و سیاه‌پوشیدن، چه در عزای امام حسین (ع) و چه در دیگر سوگ‌های ایرانیان، می‌تواند از آیین سوگ سیاوش آمده باشد، زیرا پیامبر اسلام (ص) سیاه پوشیدن را نکوهیده‌است.



همذات‌پنداری و وحدت با قربانی که همواره از دیر زمان آرزوی بشر بوده‌است در سیاوشان و عزای حماسه امام حسین (ع) به چشم‌می‌خورد که ای کاش با قهرمان یا امام خود بودند و در سرنوشت وی شریک‌می‌شدند.

### نتیجه‌گیری

عاشورا تاریخ است و خونی که در کربلا بر زمین جاری‌شد نمادی تاریخی است از شهادت و زندگی دوباره، جان‌باختن در دفاع از حق، امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر ناحق. از سویی سیاوش اسطوره است و نماد آزادگی، ستم‌ستیزی، شهادت در راه آرمان و... مردم ایران زنده‌شدن یک اسطوره کهن حماسی خود را در دل تاریخ به نظاره نشستند؛ از آن جهت بیش از دیگران به آن رویکرد مثبت عاطفی و احساسی نشان‌دادند. گویا حماسه مقدس سیاوش دوباره برایشان تکرار شده‌بود. از این‌رو همان‌گونه که اسطوره سیاوش را تا امروز در اذهان زنده نگه‌داشته‌اند حماسه کربلا را هم زنده نگه‌داشته و می‌دارند. این هر دو نماد برایشان تداعی‌گر آزادگی، ستم‌ستیزی، شهادت در راه آرمان و... است. بی‌شک حسین منزوی در سرایش غزل «عزای تو حماسه است» این ویژگی‌ها و اشتراکات را در نظر داشته‌است؛ اما نکته جالب‌توجه این است که منزوی در این شعر خون اصیل شهید راه دفاع مقدس از میهن را جاری‌شده از کربلا و آمیخته‌شده با خون سیاوش انگاشته است.

برای دست‌یابی به تأویلی نزدیک به ذهن شاعر لازم است این ارتباط هم بررسی‌شده، مطابق نظریه هرمنوتیک شواهد معنایی خون شهید در دورانی که اثر تفسیر می‌شود نیز تحلیل‌گردد و نسبت تاریخی آن با معناهای ذکر شده دریافت شود.

شاعر امروز با درک نیاز جامعه و هم‌سو با مقتضیات فرهنگی آن، خود را در سرنوشت جامعه مسئول می‌داند. تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی و جنگ (دفاع مقدس)، دگرگونی‌های بنیادینی را در سطوح زبانی، فکری و بلاغی غزل در این دوره فراهم آورده‌است. از رسالت‌های غزل حماسی تسخیر عواطف و وسعت عمق بخشیدن به خط‌مشی فکری مردم است.

نماد از اساسی‌ترین عناصر غزل معاصر است. از موارد کاربرد نماد در غزل حماسی امروز تقویت روحیه مبارزه، پایداری، ظلم‌ستیزی و ترسیم مظلومیت مردم است. از این‌رو، شاعران از اساطیر مذهبی، قومی و باستانی در نمادهای این دوره و نیز از دیگر ایماژهای ایدئولوژیک و عناصر فرهنگی شیعی که سمت و سوی آن فرهنگ والای اسلامی است، بهره‌برده‌اند.

منزوی مانند دیگر شاعران غزل‌های حماسی، در فضای خاص دفاع مقدس شگردهایی چون باستان‌گرایی‌های حماسی، اساطیری، مذهبی و... را به‌کارگرفته تا فضا و لحن غزل را در مسیر

حماسه تقویت و تشدیدکنند و با این کار احساسات وطن‌خواهی را تهییج کرده مردم را به پایداری و پاسداری از خاک و وطن و حفظ ارزش‌های فرهنگی مذهبی و ملی تشویق و ترغیب کند.

این شاعر غزل‌پرداز با یک رویکرد نو به کهن‌گرایی (آرکائیسیم)، نمادهای اسطوره‌ای، مذهبی، تاریخی و ... را که رمز شهادت، شجاعت، آزادگی و آزادی‌طلبی و حماسه‌آفرینی هستند به نوعی در غزل آورده‌است. وی به‌گونه‌ای تازه از درون‌مایه‌های تصویرهای تلفیقی حماسی در غزل - حماسه‌های خود دست‌یافته‌است که می‌تواند یکی از موجزترین و شاعرانه‌ترین فرم‌ها برای تصویرسازی باشد.

تلفیق و ترکیب اسطوره‌های ناهمگون می‌تواند تصویرهای تازه‌ای را بیافریند و حتی منطبق معمول روایت داستان‌ها را با درهم‌شکستن زمان‌ها و مکان‌ها تغییردهد. با این کارکرد اسطوره را بازآفرینی و معانی آن را بازتولید می‌کند؛ حتی اسطوره‌های جدید می‌آفریند. حال اگر این اسطوره‌ها در بستر مقتضیات زبانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امروز قرارگیرد، می‌تواند به اسطوره‌ها ظرفیت‌های معنایی فراوان ببخشد. مهمی که منزوی به‌زیبایی از عهده برآمده‌است.

وی همچنین به اقتضای جنگ و دفاع مقدس که بر سروده‌های آن دوره (دهه ۶۰) حاکم بوده‌است از شگرد تلفیق اسطوره سیاوش و حماسه تاریخی عاشورا و شباهت‌های وقایع و افکار این دو حادثه بهره‌برده‌است تا فضا و لحن سروده‌های خویش را در مسیر حماسه تقویت‌کند و با این رویکرد احساسات خوانندگان شعرهایش را اعم از رزمندگان جبهه‌ها و مردم عادی در پشت جبهه‌ها، تهییج کند و ایشان را به حفظ روحیه پایداری، پاسداری از میهن و حتی حفظ ارزش‌های مذهبی، ملی و فرهنگی خود ترغیب‌نماید.

## منابع و مأخذ

- ۱) ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۸۷). *التفهیم لوائیل صناعه التنجیم*. ویراستار جلال‌الدین همایی. چاپ پنجم، تهران: نشر هما.
- ۲) احمدی، بابک و دیگران. (۱۳۷۷). *هرمنوتیک مدرن: مجموعه مقالات*. تهران: مرکز.
- ۳) \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *آفرینش و آزادی*. تهران: نشر مرکز.
- ۴) \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- ۵) اسلامی‌ندوشن، محمدعلی. (۱۳۶۸). *زندگی و مرگ پهلوان در شاهنامه*. تهران: انجمن آثار ملی.
- ۶) بلوکباشی، علی. (۱۳۸۳). *تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی*. تهران: امیرکبیر.
- ۷) \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *نخل‌گردانی (از ایران چه می‌دانم؟ ۱۸)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۸) بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. ویراستار ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: چشمه.
- ۹) \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم)*. ویراستار کتابیون مزداپور (ویراست سوم). چاپ ششم، تهران: آگاه.
- ۱۰) پالمر، ریچارد.ا. (۱۳۸۴). *علم هرمنوتیک*. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- ۱۱) چکلوسکی، پیتر جی. (۱۳۶۷). *تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران*. ترجمه داوود حاتمی. تهران: علمی فرهنگی.
- ۱۲) حصوری، علی. (۱۳۸۴). *سیاوشان*. چاپ دوم، تهران: نشر چشمه.
- ۱۳) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- ۱۴) سپهری، سهراب. (۱۳۸۷). *هشت کتاب*. چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات طهوری.
- ۱۵) سلدن، رامان. (۱۳۹۲). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۶) رامپوری، محمد غیاث‌الدین بن جلال‌الدین. (۱۳۶۲). *غیاث اللغات*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. انتشارات کانون معرفت.
- ۱۷) گادامر، هانس گئورگ. (۱۳۸۲). *آغاز فلسفه*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: هرمس.

- (۱۸) کادن، جان آنتونی. (۱۳۸۰). فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.
- (۱۹) کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۰). نامه باستان. (ج ۳). چاپ سوم، تهران: سمت.
- (۲۰) گورین، ویلفرد ال و دیگران. (۱۳۷۷). راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه زهرا مهین‌خواه. چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- (۲۱) منزوی، حسین. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار. به کوشش محمد فتاحی. چاپ سوم، تهران: آفرینش.
- (۲۲) نرشخی، ابوبکر محمدبن‌جعفر. (۱۳۵۱). تاریخ بخارا. تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- (۲۳) واعظی، احمد. (۱۳۸۰). درآمادی بر هرمنوتیک. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- (۲۴) هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱). شعر زبان و اندیشه رهایی. ترجمه عباس منوچهری. تهران: انتشارات ولی.
- (۲۵) \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). هستی و زمان. ترجمه سیاوش سجادی. تهران: ققنوس.
- 26) Wirth, Andrzej (1979). "Semiological Aspects of the Taziye" In:
- 27) Chelkowski, Peter. Ritual and Drama in Iran. New York: University Pres.

#### مقاله‌ها

- (۱) حسن‌پور الشتی، حسین، «نماد در غزل بعد از انقلاب اسلامی»، نشریه علمی پژوهشی ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال نهم، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- (۲) محمدزاده، مرضیه، «بررسی ساختار نماد در ادبیات عاشورایی»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- (۳) موسوی، سیدمحمد، «هرمنوتیک، پیش‌زمینه‌ها و تحولات آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال هفتم، شماره ۲.
- (۴) نصری، عبدالله، «عناصر فهم در اندیشه گادامر»، پژوهشنامه فلسفه دین، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۵ - ۵۵.
- (۵) نوری، علی، «شالوده‌شکنی در تلمیحات به‌کاررفته در غزلیات حسین منزوی»، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهاردهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۲۰ - ۲۰۳.

The Semantics of Eclectic Symbols in a Sonnet by Monzavi based on the

Modern Hermeneutics Theory

Yaddollah Saei, Alisarvar Yaghubi\*, Mohammadali Davudabbadi

PhD Student, Lyrical Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Arak, Branch,  
Islamic Azad University, Arak, Iran. \*Corresponding Author: Raaymand92@gmail.com

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Arak, Branch,  
Islamic Azad University, Arak, Iran

Abstract

Hermeneutics is such an outstanding approach in the study of humanity that is used for analyzing and interpreting text meaning, focusing on text comprehension. This article aimed to investigate a sonnet by Hossein Monzavi entitled "Your Mourning Is Epic" analytically and descriptively based on the modern hermeneutics theory. Hence first of all, encoding of the surface meaning of the poem has been done. Then, connotation of the text has been clarified on the basis of the obtained literary significations. The findings indicated that Monzavi, through combining all myths, succeeded to collapse times and places, destroyed common logic of narration, reproduced somehow the myths and recreated historical narrations in a novel context with new semantic capacities. Turning to the subjects of war and the holy defense that had governed the poems of that time, he had employed the device of combining the myth of Siavash and historical epic of Ashura as well as the similarities among the happenings and thoughts of the two events so that he would be able to strengthen the space and tone of his sonnet along the path of epic whereby his readership's feelings would be raised and he would encourage them to maintain their sense of safeguarding their homeland as well as their religious-national values.

Keywords:

Semantics, Semiotics, Contemporary Sonnet, Modern Hermeneutics,  
Monzavi .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی